خبر

شهدای نامدار به روایت هنرمندان چهره

مجموعه انیمیشن «نام‌ها» به کارگردانی رضا میرکریمی درباره سرداران بزرگ دفاع‌مقدس برای نخستین‌بار از آخر هفته جاری روی آنتن شبکه دو سیما خواهد رفت.

مجموعه کمیک‌موشن «نام‌ها» به کارگردانی سیدرضا میرکریمی و تهیه‌کنندگی محمد پیرهادی محصول سازمان سینمایی سوره از ۱۵ دی‌ماه و طی چهار هفته، پنجشنبه‌شب‌ها ساعت ۲۱ و ۱۵ دقیقه راهی آنتن شبکه دو سیما خواهد شد.

در اپیزودهای مختلف این انیمیشن که برای اولین‌بار رونمایی و پخش می‌شود؛ بازیگران مطرحی همچون پرویز پرستویی، فرهاد اصلانی، امیر جعفری، ریما رامین‌فر، شبنم مقدمی، افشین هاشمی و دانش اقباشاوی به‌عنوان صداپیشه حضور دارند. مجموعه انیمیشن نام‌ها که با فرم کمیک‌موشن ساخته شده است؛ در چهار اپیزود متفاوت به روایت زندگی چهار قهرمان دفاع مقدس، شهید عباس دوران از فرماندهان نیروی هوایی ایران، شهید مهدی باکری از فرماندهان سپاه پاسداران، شهید مصطفی چمران از فرماندهان ایران در نبرد با عراق و شهید حسن باقری جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران می‌پردازد. این مجموعه چهار قسمتی با نام‌های «مصطفی»، «عباس»، «حسن» و «مهدی» هرکدام در مدت زمان حدود ۳۰ دقیقه، روایتی عاشقانه و واقعی از داستان زندگی این چهار سردار نامدار بزرگ ایران است.

یادداشت

«آزادی مشروط» و دوران در حال تجدید!

حسین سلطان‌محمدی
منتقد

کمتر کسی فراموش کرده که در آغاز همه‌گیری کرونا و کمبود اطلاعات ویژه برای پیشگیری یا درمان آن، چه بر سر خودش، خانواده و همه محیط‌هایی که برای کار یا زندگی در آنها سیر می‌کرد، آمد؛ دورانی که از آغشته‌بودن با انواع الکل‌ها و ضدعفونی‌کننده‌ها آغاز شد تا زمانی که کم‌کم به دستکش‌دست‌کردن و ماسک بر صورت گذاشتن رسید و همه روابط فردی و جمعی میان آحاد جامعه، به کمترین اندازه رسید و همان کمترین نیز، مشروط بود به رعایت نکاتی. به عبارتی «آزادی مشروط»، برای‌مان تعریف شد. گستره ابتلا و سپس افزایش روند قربانیان و در ادامه معضل ماسک و ضدعفونی‌کننده و واکسن! ابعادی از رویدادهای آن دوران است. به‌یاد آوردن آن دوران عمدتا غم‌افزا که در کنار وظایف انسانی به دعا و خدا نیز متوسل شدیم و دعای آشنای «الهی عظم البلاء» را خواندیم و التجا نمودیم، برای خیلی‌ها یادآور ابتلا، تحلیل قوای جسمانی و البته ازدست‌دادن عزیزان بسیاری است.

واژه‌های شهرهای قرمز و نارنجی و... یکی از این یادگارهاست. تلویزیون نیز پیاپی در حال صدور دستورالعمل برای پیشگیری بود. اکنون و در گذر تقریبا بیش از سه سال از آغاز آن دوران، مدتی است که در سیما، شاهد نمایش مجموعه‌ای طنز با عنوان «آزادی مشروط» هستیم که کوشیده یادآوری آنچه را که در آن دوران رخ‌داد، به شیرینی بیان کند و تا اندازه‌ای التیام‌بخش بسیاری از فقدان‌ها و مصیبت‌های آن دوران باشد. در این مجموعه طنز که یکی از نخستین گام‌ها برای توجه به این چند سال اخیر است، افراد آشنایی حضور یافتند و با توجه به بخش‌هایی از آنچه پشت‌سر گذاشتیم، ماجرا را از سطوح گوناگون فردی و اجتماعی بیان کردند و به طبیعت طنازی تصویری در ایران که با کلام همراهی بیشتری دارد، دیالوگ‌های شیرین و البته پرتعداد را به بیننده عرضه داشتند. همچنان که بازهم به طبیعت طنازی در ایران که البته میراث آشنای نویسندگان متن برای آثار تصویری در ایران است که داستانی را دستمایه کرده فارغ از تناسب با فضای روایت، و در لابه‌لای آن، به تحلیل اوضاع جامعه در ابعاد گوناگون می‌پردازند یا با اشارات کلامی، طعنه و اشاره‌ای را طرح می‌کنند، در این اثر نیز گفتارهای بسیاری شنیده شد که پیام روشنی درباره شرایط زیست ایرانی در سال‌های اخیر می‌داد.

اکنون دوباره به بهانه موج هشتم کرونا، که نویدش را داده‌اند گرچه بسیاری از آنچه را که تجربه کردیم و در این مجموعه نمایش داده شد، نخواهیم داشت، طبیعی است عناصر گوناگونی در حوزه پیشگیری و درمان مطرح باشد.

به بهانه احتمال آغاز موج جدید کرونا، بد نیست در کنار این تلاش طنازانه، به‌صورت جدی نیز داستان‌هایی برای آن دوران نوشته شود، شاید مانند مجموعه پرستاران خارجی یا حتی نمونه بسیار آرام‌تر آن یعنی مجموعه پرستاران ایرانی، تا نگرانی و ترس و گاه وحشتی را که پشت‌سر گذاشتیم، در آن بتوان دید و تلاش جمعی‌ای که صورت گرفت تا به این روزهای کمتر دردسرساز فعلی از نظر مقابله با کرونا رسیدیم، به یادمان بماند و قدر ساعات زندگی و همراهی جمعی را بدانیم.

گفت‌وگوی «جام جم» با مسعود ده

آزادی مشروط بر

فاطمه عودباشی
دبیر گروه رسانه

حتما شما هم کارتون سه کله‌پوک را دیده‌اید و کلی با آنها و حرکاتی که در موقعیت‌های متفاوت داشته‌اند، خندیده‌اید. اکنون مسعود ده‌نمکی که به واسطه ساخت آثار طنز در سینما و تلویزیون میان مخاطبان شهره است با کارگردانی سریال تلویزیونی «آزادی مشروط» کارتون سه کله‌پوک امروزی را برای مخاطبان تداعی کرده است، زیرا شخصیت‌های اصلی این سریال سه زندانی هستند که به دلیل شیوع بیماری کرونا، آزادی مشروط گرفته‌اند اما باید به گروه‌های جهادی کمک کنند تا بتوانند در روزهای کرونایی کنار مردم باشند و به آنها کمک کنند تا این شرایط را پشت سر بگذارند. در این فاصله آنها درگیر موقعیت‌های کمیک می‌شوند که خنده را بر لب مخاطبان می‌آورد. در کنار این سه شخصیت که نقش‌های آنها را علیرضا مسعودی، سروش جمشیدی و علیرضا استادی بازی کرده‌اند هنرمندان بسیاری حضور دارند که می‌توان گفت این سریال تنها یک قهرمان ندارد، بلکه همه در قصه به نوعی سهم خودشان را دارند و سعی می‌کنند تا قصه را جلو ببرند. در این سریال ده‌نمکی از ۲۴۰ هنرمند بهره برد و تنوع لوکیشن از دیگر ویژگی‌های این سریال محسوب می‌شود. ده‌نمکی با ساخت سریال آزادی مشروط سعی کرده تا اثری از روزهای سخت کرونایی به ثبت برساند اما به جای این‌که یک زبان تلخ را انتخاب کند تا یادآور آن روزها باشد، از یک زبان شیرین و طنازانه بهره برده است تا کام مردم را تلخ نکند. با او درباره این سریال گفت‌وگو کرده‌ایم که در ذیل می‌خوانید.

سریال آزادی مشروط کلاژی از ایران کامل است؛ یعنی شخصیت‌هایی با عقاید مختلف و با لهجه‌های متفاوت را در این مجموعه می‌بینیم که هرکدام ویژگی‌های خاص خودشان را دارند. چرا می‌خواستید این سریال کلاژی از ایران باشد؟ یعنی بهره بردن از شخصیت‌های متنوع تعمدی بود و چه هدفی را دنبال کردید که آزادی مشروط جامعه‌ای از کل ایران باشد؟

بیماری کرونا یک پدیده جهانی بود و همه دنیا درگیرش بودند و به فراخور فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها نگاه‌شان به این مقوله متفاوت بود و رفتار برخی از کشورها در تاریخ باقی خواهد ماند که نسبت به ملت خود و سایر ملل چطور برخورد کردند؛ نکات تلخی که شاید می‌شد در فیلم‌های آخرالزمانی دید؛ دزدیدن کشتی‌ها، ندادن واکسن به رنگین‌پوست‌ها یا تبعیض قائل شدن در دادن دارو که همه اینها در حافظه تاریخی دنیا و بشریت باقی خواهد ماند اما در خصوص جغرافیای محدودتری مثل کشور خودمان، یک شهر فرضی با یک بیمارستان فرضی و با یک قرارگاه جهادی فرضی در نظر گرفتیم که در آنجا مردم دست به دست همدیگر می‌دهند و این مردم با گویش‌های گوناگون نماینده اقوام و طبقات اجتماعی مختلف هستند و انتخاب زبان طنز به این دلیل است که مقوله تلخی مثل کرونا با چند ده هزار کشته، می‌توانست یادآور تلخی‌ها و خاطرات بد برای مردم باشد؛ ولی تلاش کردیم با زبان طنز این خاطرات تلخ، تلطیف شود. بنابراین انتخاب این گویش‌ها هدفمند بود.

تاکنون سریال‌های زیادی داشتیم که کارگردانان سراغ استفاده از لهجه رفتند اما طیفی از مردم انتقاد داشتند. از آنجا که طیف لهجه‌ها در سریال شما خیلی زیاد است، نگران نبودید مورد نقد قرار بگیرید؟

استفاده از لهجه‌ها ظرافت‌هایی دارد و اگر این ظرافت‌ها رعایت نشود باید حق داد به اقوامی که معترض شدند. باید توهین نباشد و خانواده تراز در یک قومیت در یک سریال اگر یک شخصیت منفی باشد می‌تواند تبعات داشته باشد اما در کار ما شخصیت‌ها یا خاکستری یا قهرمانند؛ یعنی استفاده از لهجه برای شخصیت‌های منفی تا جایی که بوده، استفاده نشده است. گرچه باید این مسأله هم حل شود؛ یعنی تلویزیون و سینما مختارند همه شخصیت‌های منفی را تهرانی نشان دهند ولی هیچ شخصیتی با لهجه شهرستانی نمی‌شود شخصیت منفی قصه باشد. در همین سریال هم داشتیم که یکی از شخصیت‌ها منفی بود و لهجه داشت اما در سانسور تلویزیون این شخصیت حذف شد. این اتفاق موقع پخش حذف شد. به نظرم باید این تابو شکسته شود و این مرزبندی‌ها برداشته شود که در سریال‌ها فقط تهرانی‌ها شخصیت‌های منفی، دزد و خلافکار نباشند و شخصیت‌های مثبت با لهجه باشند. هیچ وقت نباید قصه را سیاه و سفید دید و هموطنان ما با لهجه‌های مختلف باید با این مسأله کنار بیایند؛ گرچه در سریال ما چنین مشکلی پیش نیامد و عموما کسانی که از لهجه استفاده می‌کردند، خودشان از آن قومیت بودند و در ادای آن لهجه هم موفق بودند.

یکی از ویژگی‌های آثار شما که در این سریال هم دیده می‌شود، این است که شخصیت بد به معنای منفی بودن نشان نمی‌دهید؛ حتی در قصه هم فردی را که اشتباه می‌کند و به زندان می‌افتد برای مخاطب منفور نشان نمی‌دهید. این اتفاق در سریال آزادی مشروط افتاده و می‌بینیم کسانی که اشتباه کردند و به زندان هم افتادند به گونه‌ای شخصیت‌پردازی شدند تا مخاطب از آنها دلزده نشود. دلیلش چیست؟

بر می‌گردد به این ایدئولوژی که آدم‌ها، مطلق بد نیستند و حتی کسانی که مرتکب خلاف، اشتباه و گناه می‌شوند در فطرت‌شان هم زمینه بازگشت دارند و هم این‌که ما به دنبال این هستیم که نشان دهیم آدم‌ها با نگرش‌ها و بینش‌های گوناگون می‌توانند در مشترکات کنار همدیگر قرار بگیرند؛ یعنی در این قصه حتی زندانی‌ها که خلافکاران قصه هستند از زاویه نگاه خودشان دارند خدمت می‌کنند؛ مثلا علی مسعودی در سکانسی که در خیابان بین کارتن خواب‌ها ماسک توزیع می‌کند، نشان می‌دهد این فرد در عین این که هنوز هم در فکر فرار است و مجبور هم نیست اما باز هم کمک می‌کند. این به ایدئولوژی و مانیفستی که به آن معتقدم برمی‌گردد.

در این کار دست به یک ریسک زده بودید و این‌که سروش جمشیدی، علی مسعودی و علیرضا استادی را کنار یکدیگر گذاشته بودید که تا به امروز نقش یک در هیچ سریالی نبودند و ما هیچ‌وقت این سه را کنار همدیگر ندیده بودیم و ابتکار تازه‌ای بود که شما در این سریال انجام دادید، خودتان نگران این موضوع نبودید؟

با توجه به این‌که طنز به تعدادی بازیگران خاص خلاصه یا منحصر شده بود و آنها هم تلویزیون را پله پرش خودشان قرار می‌دهند و بعد به پلتفرم‌ها یا سینما می‌روند و با قیمت‌های استاندارد تلویزیون نمی‌آیند در این رسانه کار کنند یا بعضی از آنان دچار استحاله‌های دیگری شدند و پول زیر زبان‌شان مزه کرده یا برخی از آنها در آثار سرگرمی‌سازی صفر که بار ایدئولوژیک ندارد راحت بازی کنند؛ طنزی که با بداهه‌گویی، هجوگویی، رقص و آواز و ... بگذرد و مخاطب بخندد، ولی شاید بعضی‌ها حاضر نشوند در چنین مضامین سخت‌تری بازی کنند؛ مثل رفتن به‌سوی شوخی با مقوله‌ای مانند کرونا که صدها هزار کشته داده که کار بسیار سختی است و قرار است با یک خاطره بسیار تلخ شروع کنید که زمان زیادی هم از آن نگذشته؛ یعنی مثل جنگ نیست که یک نسل از آن گذشته باشد. وقتی کاری مثل اخراجی‌ها را می‌سازیم، زمانی است که تلخی‌ها تمام شده اما کرونا هنوز هم تلفات می‌گیرد و قرار است با این مقوله شوخی کنیم و این کار را خیلی سخت می‌کند. دوم این‌که کار طنز یعنی میمیک صورت اما در اینجا ۹۰ درصد افراد ماسک دارند و میمیک صورت را نمی‌بینیم و همین ادای کار طنز را بسیار سخت‌تر می‌کند. سوم این‌که در یک کست (انتخاب بازیگران) متفاوت مطرح است؛ یعنی قرار است یک کست جدیدی در حوزه تلویزیون به‌عنوان شخصیت‌های محوری بیاورید که ممکن است برخی از اینها مثل آقای استادی در کار جوکر بیایند و در موقعیت دیگر قرار بگیرند، ولی نقش محوری طنز نباشند یا آقای مشهدی که بیشتر استندآپ کار

مکث

یکی از راه‌های ثبت تاریخ، سریال‌سازی است

کارگردان سریال آزادی مشروط در پاسخ به این سؤال که نگران نبودید ممکن است سریال آزادی مشروط تاریخ انقضا داشته باشد، می‌گوید: بعضی موارد برای کارهای بلندمدت است مثل جنگ. مثلا امروز که سریال‌های ۲۰ سال پیش را می‌بینیم برای نسل امروز سؤال پیش می‌آید که اگر چنین اتفاق مشابهی پیش آمد قرار است مردم با آن مقوله چطور برخورد کنند؟! سریال آزادی مشروط نشان می‌دهد نسل قبل شما چطور خود را به خطر می‌انداختند، ماسک و گان می‌دوختند، در بیمارستان‌ها کمک می‌کردند، آب هویج می‌گرفتند یا خود خانواده‌ها جرأت نمی‌کردند اموات‌شان را خاک کنند اما با این حال عده‌ای داوطلب می‌شدند و این کار را می‌کردند. به هر حال یکی از راه‌های ثبت تاریخ سریال‌سازی است.

گزارش تصویری

یک قصه با نمک

رسانه‌ملی در مسیر تحول در تلاش است سریال‌هایی در گونه‌های متفاوت تولید کند و سریال طنز «آزادی مشروط» محصول این دوره است که مسعود ده‌نمکی با بهره بردن از بازیگران پیشکسوت و جوان، این سریال را ساخته است. او در این سریال میدان را در اختیار جوانانی گذاشته که تجربه کمتری جلوی دوربین داشتند و قرار است در این سریال استعدادهای جوان را معرفی کند.

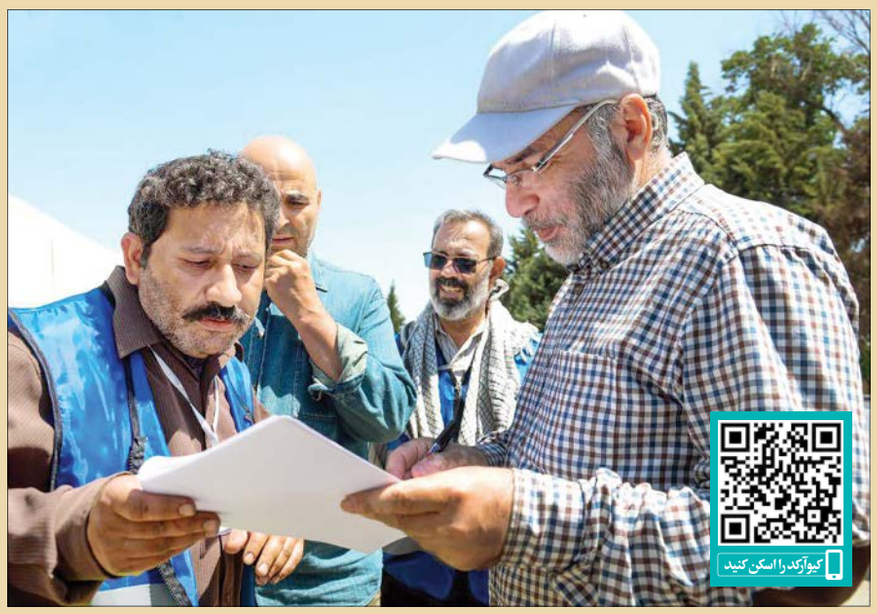

سیما

کارگردانی به روش «نون خ»

یکی از سریال‌های طنزی که در سال‌های اخیر محبوب شد، «نون خ» به کارگردانی سعید آقاخانی و نویسندگی امیر وفایی بود. نون خ، مخفف نام نقش اصلی این سریال، نورالدین خانزاده بود که با ماجراهای مختلفی روبه‌رو می‌شد. سریال نون خ پربیننده‌ترین سریال نوروز ۱۳۹۸ بود که در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ هم با داستان‌های متفاوتی ادامه پیدا کرد. نون خ سه سال پربیننده‌ترین سریال نوروزی صداوسیما بود. این سریال در استان کرمانشاه تصویربرداری شد و فضای منطقه را به تصویر کشید. در قسمت‌های مختلف نون خ، ترانه‌های هنرمندان کرد استان کردستان و آذربایجان غربی مانند مظهرخالقی، حسن زیرک و حسین صفامنش استان کرمانشاه پخش و طبق آنچه بعد از پخش سریال منتشر شد، مخاطبان محلی بسیاری با آن ارتباط گرفته بودند. آقاخانی که پیش از این بیشتر در حوزه بازیگری ظاهر شده بود، با نون خ پرونده درخشانی از کارگردانی خود را به نمایش گذاشت. او علاوه بر این سریال مجموعه‌هایی مثل شاخ به شاخ، مستند جهت، هفت خط و هندوانه شب یلدا را هم برای تلویزیون کارگردانی کرده بود. مجموعه‌های دیگری مثل جوجه‌تیغی، میش و روز اردو هم در کارنامه بازیگری آقاخانی دیده می‌شود.

قاب

زیر آسمان شهری برای مخاطبان

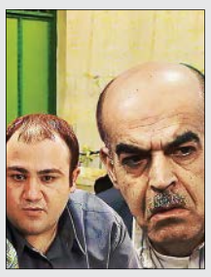

«زیر آسمان شهر» از همان سال ۱۳۸۰ که برای اولین بار از شبکه سه روی آنتن رفت، مخاطبان خاص خود را داشت. این سریال در مدت پخش توانست از مجموعه‌های بسیار موفق رسانه‌ملی شود. در ادامه زیر آسمان شهر۱، سری دوم سریال با حضور یک خانواده جدید (برزو ارجمند و شهرزاد جواهری) روی آنتن رفت. بعد از آن‌که سری دوم این سریال پخش شد، سری سوم با حضور تیم جدیدی روی آنتن رفت. در این سری، اکبر عبدی، رضا ژیان، رامین پرچمی، حسن پورشیرازی، اکرم محمدی و غزل صارمی به باقی‌ماندگان سری‌های قبل یعنی مهران غفوریان، کیومرث ملک‌مطیعی و ملکه رنجبر اضافه شدند. این سریال یکی از آخرین کارهای رضا ژیان پیش از درگذشت او بود. آن‌طور که مهران غفوریان در خندوانه و دورهمی گفته بود، سری چهارم زیر آسمان شهر با همکاری رضا عطاران و سیروس میمنت و تیم بازیگری حمید لولایی، یوسف تیموری و ملکه رنجبر در حال ساخت بود که بعد از مدتی به علت بیماری ملکه رنجبر منتفی شد. تمام قسمت‌های زیرآسمان شهر به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مهران غفوریان پخش شده بود.